

تفسیر شریف

نفس الثقلین

تألیف

محدث، جلی، القدر علامہ، خبیر

شیخ عبدعلہ عروسی خویری

زنده در سال (۱۷۲ هـ ق)

ترجمہ

محمد مهدی سازندہ

و محمد حسن فاطمی

با پیش گفتار و اشراف

استاد زنده یاد عقیقی بخشایشی

جلد ہشتم



تفسیر شریف نورالتقلین

جلد هشتم

مؤلف: علامه حویزی (ره)

ترجمه: جمعی از فضلاء تحت اشراف استاد عقیقی بخشایشی (ره)

ناشر: کتاب عقیق

ناشر همکار: نوید اسلام قم

چاپ: نوید اسلام قم

نوبت چاپ: پنجم (اول این ناشر ۹۴)

تیراژ: ۲۰۰۰ دوره

شابک دوره: ۴-۱۷-۷۹۵۳-۶۰۰-۹۷۸ شابک جلد هشتم: ۱۵-۷۹۵۳-۶۰۰-۹۷۸ قیمت دوره ۸ جلدی: ۳۲۰۰ هزار تومان

مراکز پخش:

- قم: خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه همکف، تلفن: ۳۷۷۴۳۴۶۲ - ۰۲۵
تهران: بازار سلطانی، دارالکتب الاسلامی، تلفن: ۵۵۶۲۰۴۱۰ - ۰۲۱
تهران: میدان فلسطین، نشر بین الملل، تلفن: ۸۸۹۲۱۹۸۰ - ۰۲۱
مشهد: چهار راه خسروی، کتابفروشی آستان قدس رضوی، تلفن: ۳۲۲۳۳۳ - ۰۵۱
مشهد: خیابان خسروی، کتابفروشی کتابچی، تلفن: ۳۲۱۰۰۰۰ - ۰۵۱
تبریز: کتابفروشی دریسا، تلفن: ۳۱۴۶۳ - ۰۴
اصفهان: روبروی مسجد حکیم، کتابفروشی حکیم، تلفن: ۳۲۱۰۳۶۵۲ - ۰۳۱

حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۱۱۲ق.

تفسیر شریف نورالتقلین / تألیف شیخ عبدعلی عروسی حویزی؛ ترجمه جمعی از فضلاء حوزه تفسیر؛ با پیشگفتار اشراف [عبدالرحیم] عقیقی بخشایشی. تهران: کتاب عقیق؛ دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۹۴ -

جلد هشتم.

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۵۳-۱۷-۴

شابک (دوره)

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۵۳-۱۵-۰

(ج. هشتم)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه.

۱. تفاسیر شیعه - قرن ۱۱ ق. ۲. تفاسیر متأخره - شیعه. الف. گروهی از فضلاء حوزه تفسیر، مترجم. ب. عقیقی بخشایشی، عبد

الرحیم، ۱۳۲۲ - مصحح. ج. عنوان. د. عنوان: تفسیر نورالتقلین. فارسی.

۲۹۷/۱۷۲۶

Bp1۷/ح ۷۰۴۱

فهرست مطالب جلد ۸

۲۸۹.....	سوره ی بُرُوج.....	۷.....	پیش گفتار.....
۳۰۷.....	سوره ی طارق.....	۷.....	ولادت نور.....
۳۱۷.....	سوره ی اعلی.....	۸.....	کنیه و القاب.....
۳۳۹.....	سوره ی غاشیه.....	۸.....	علاقه امام به مردم.....
۳۵۷.....	سوره ی فجر.....	۹.....	علم و دانش امام رضا (ع).....
۳۷۳.....	سوره ی بلد.....	۱۰.....	امام رضا (ع) در پیشگاه قرآن.....
۳۸۶.....	سوره ی شمس.....	۱۱.....	روش تفسیری ام.....
۳۹۵.....	سوره ی لیل.....	۱۱.....	درباره ی توحید و خداشناسی.....
۴۰۷.....	سوره ی ضحی.....	۱۲.....	شرک و کفر.....
۴۲۷.....	سوره ی انشراح.....	۱۲.....	صفات ثبوتی و سلبی خدا.....
۴۳۵.....	سوره ی تین.....	۱۳.....	رؤیت خدا.....
۴۴۱.....	سوره ی علق.....	۱۳.....	سؤالات مأمون.....
۴۴۹.....	سوره ی قدر.....	۱۷.....	شک و تردید ابراهیم خلیل (ع).....
۵۰۹.....	سوره ی یثنه.....	۱۸.....	نسبت نومیدی به پیامبران (ع).....
۵۲۱.....	سوره ی زلزال.....	۱۸.....	مراد از دست خدا، قدرت اوست.....
۵۳۱.....	سوره ی عادیات.....	۱۶.....	علت ها و معلول ها.....
۵۴۵.....	سوره ی قارعه.....	۲۰.....	آیا روز جلوتر است یا شب؟.....
۵۵۱.....	سوره ی تائث.....	۲۱.....	تقدیر و تشکر.....
۵۶۳.....	سوره ی حصر.....	۲۳.....	سوره ی نوح.....
۵۶۷.....	سوره ی همز.....	۴۳.....	سوره ی جن.....
۵۷۱.....	سوره ی فیل.....	۷۵.....	سوره ی مزمل.....
۵۸۵.....	سوره ی قریش.....	۹۱.....	سوره ی مدثر.....
۵۸۹.....	سوره ی ماعون.....	۱۱۱.....	سوره ی قیامت.....
۵۹۵.....	سوره ی کوثر.....	۱۲۷.....	سوره ی انسان.....
۶۰۷.....	سوره ی کافرون.....	۱۶۹.....	سوره ی مرسلات.....
۶۱۴.....	سوره ی نصر.....	۱۷۹.....	سوره ی نبأ.....
۶۳۱.....	سوره ی مسد.....	۱۹۳.....	سوره ی نازعات.....
۶۳۵.....	سوره ی اخلاص.....	۲۱۷.....	سوره ی عبس.....
۶۷۱.....	سوره ی فلق.....	۲۲۷.....	سوره ی تکویر.....
۶۸۹.....	سوره ی ناس.....	۲۴۳.....	سوره ی انفطار.....
۶۹۴.....	گفتار پایانی.....	۲۵۹.....	سوره ی مطففین.....
۶۹۴.....	پیرامون نخستین مفسران قرآن.....	۲۷۹.....	سوره ی انشقاق.....

۳. امام حسین علیه السلام و گروه انحرافی	۷۲۶
۴. امام حسین علیه السلام و فقراء و نیازمندان	۷۲۷
۵. مقصود از «شاهد» رسول خداست	۷۲۷
۶. انواع تعبیرات الهی	۷۲۷
۷. بهترین توشه	۷۲۷
۸. استنادی دیگر به آیات قرآنی	۷۲۸
۹. استنادی دیگر به قرآن	۷۲۸
۱۰. استناد به قرآن در خطبه روز عاشورا	۷۲۸
۱۱. تقیه و رازداری	۷۲۹
تربیت یافته‌ی مکتب علوی	۷۲۹
گفتار جزائری	۷۳۱
امام حسین علیه السلام و تعالیم قرآن	۷۳۱
امام سجاد علیه السلام و تفسیر قرآن	۷۳۱
۱. نفرین شده‌ی خداوند	۷۳۲
امام سجاد علیه السلام و قرآن	۷۳۶
معرفی تفسیر نورالثقلین	۷۳۷
۱- تفسیر قتی	۷۳۷
۲- تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی (متوفی ۳۰۷ ق)	۷۳۸
۳- تفسیر ابونضر محمد بن مسعود عیاشی (متوفی حدود ۳۲۰ ق)	۷۳۹
۴- تفسیر ابی‌ذر	۷۴۱
۵- تفسیر صاحب معجم رجال الحديث	۷۴۱
۶- تاریخ وفات او	۷۴۱
۷- تفسیر و مجمع البیان (م ۵۴۸ ق)	۷۴۲
۸- مجمع البیان و جایگاه آن	۷۴۲
۹- نظر علمای اسلام	۷۴۳
۱- گفتار مفتی اسلام ديار مصر:	۷۴۳
۲- گفتار شیخ محمود شلتوت:	۷۴۳
۳- گفتار ذهبی:	۷۴۴
۴- نظر استاد محمد، محمد المدنی	۷۴۴
۵- آراء و نظرات دانشمندان شیعه	۷۴۵
الف - گفتار مرحوم شهید ثانی:	۷۴۵
ب - گفتار ابن شهر آشوب:	۷۴۵
ج - گفتار محدث نوری:	۷۴۵
د - گفتار استاد کریمان:	۷۴۵

امیرالمؤمنین علی علیه السلام	۶۹۴
حضرت فاطمه زهرا علیه السلام و تفسیر قرآن	۶۹۶
ترجمه‌ی بخشی از خطبه آن حضرت	۶۹۸
توحید استدلالی بر وجود خدا	۶۹۸
نبوت و لزوم آن	۶۹۹
دورنمایی از دوران جاهلی	۶۹۹
نمونه‌ای از فلسفه احکام خدا	۷۰۱
ورود به اصل بحث	۷۰۱
پس از رحلت رسول خدا	۷۰۳
حوادث دوران فترت	۷۰۴
آیا ما را ندارد؟	۷۰۴
قرآن حرامی گوید؟	۷۰۵
استمداد از مهاجرین و انصار	۷۰۸
تحدیر و هشدار به پیدال کنندگان حق	۷۰۹
اهل بیت علیهم السلام	۷۱۱
فضه نوبته	۷۱۱
فاطمه علیه السلام و مصحف	۷۱۴
امام حسن مجتبی علیه السلام در پیشگاه قرآن	۷۱۴
۱. در توصیف و شأن قرآن	۷۱۴
۲. تفسیر به رأی	۷۱۶
۳. تفسیر و شرح ادب پیامبر اسلام	۷۱۶
۴. ایرار و نیکوکاران	۷۱۶
۵. در جمع سوگواران	۷۱۶
۶. تهجد و منهج‌دان	۷۱۷
۷. صاحبان عقول و اندیشه‌ها	۷۱۸
۸. شاهد و مشهود کیانند؟	۷۱۸
۹. بهترین و زیباترین لباس‌ها	۷۱۸
۱۰. حسنه‌ی دنیا و آخرت	۷۱۹
۱۱. احسان و تحیت بهتر	۷۱۹
۱۲. تفسیر عملی امام علیه السلام	۷۱۹
۱۳. قصه‌گویان کیانند؟	۷۲۱
امام حسن علیه السلام و قرآن	۷۲۲
امام حسین علیه السلام و تفسیر قرآن	۷۲۳
امام علیه السلام و یاد قرآن	۷۲۳
۱. امام حسین علیه السلام و تفسیر سوره توحید	۷۲۵
۲. استغفار عامل رزق و روزی	۷۲۶

- ھ۔ نظر صاحب کشف الحجب و الأسرار:..... ۷۴۶
 و۔ گفتار مرحوم مدرّس:..... ۷۴۶
 و۔ گفتار صاحب تأسیس الشیعہ:..... ۷۴۷
 قابل توجّہ:..... ۷۴۷
 ۵۔ تفسیر جوامع الجامع طبرسی (۵۴۸ م.ق)..... ۷۴۸
 ۶۔ جامع البیان محمد بن جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ م.ق)..... ۷۴۹
 ۷۔ تفسیر تعلبی (متوفی ۴۲۷ م.ق)..... ۷۵۰
 ۸۔ تفسیر قاض بیضاوی (۶۸۵ م.ق)..... ۷۵۱
 ۹۔ جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱ م.ق)..... ۷۵۲
 ۱۰۔ تفسیر کشاف محمود بن عمر خوارزمی
 زمخشری (متوفی ۵۳۸ م.ق)..... ۷۵۳
 فہرست اعلام و اشخاص ۷۵۵
 فہرست اماکن و مناطق ۷۷۰
 منابع و مصادر تفسیر و تحقیق تفسیر
 نورالثقلین و پاورقی ہا ۷۷۲
 منابع و مأخذ مجلّادات ہشت گانہ ۷۷۹

پیش‌گفتار

جلد هشتم پایان کار مجلدات «تفسیر نورالثقلین» و هنگام وداع با خوانندگان وفادار و صبور ما می‌باشد. پیشگفتار ما در این جلد پیرامون شخصیت بی‌نظیر سریر ملک ارتضاء، حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه آلاف تحية و الثناء) می‌باشد که ملک ایران مزین و مفتخر به وجود ذی‌جود آن بزرگوار است، و همه‌ساله هزاران تن از زائران، دل‌های خود را با زیارت مضجع شریف آن بزرگوار صفا می‌بخشند و او را به بین خود و آفریدگار مهربان واسطه قرار می‌دهند تا به آمال و آرزوها و خواسته‌های قلبی و معنوی خویش نائل آیند. ما هم در این هنگامه‌ی وداع، آن بزرگوار را واسطه‌ی قبولی این عمل ناچیز خود قرار می‌دهیم تا به شفاعت و حمایت نور دو ثقل یادگار مانده از پیامبر گرامی اسلام ﷺ در دنیا و آخرت نایل آمدن باشیم. بمنه و کرمه العمیم و لطفه القدیم.

ولادت نور

امام رضا (ع) در روز جمعه ۱۲ ذی‌قعدة سال ۱۴۸ هـ در مدینه منوره پا به عرصه‌ی حیات نهاد و جهان را با صفات معجزات خویش، منور ساخت. پدرش اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او گفت، کاملاً بر آب فرات برداشت و آن‌گاه جگر گوشه‌اش را به مادرش سپرد و فرمود: «بگیر این پسر را که او بقیة‌الله در روی زمین است.» آری، او علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) هشتمین امام اهل بیت عصمت و طهارت است، که حجّت خدا بر زمین می‌باشد.

پدر عالی‌قدرش امام موسی بن جعفر (ع) و مادر گرامی‌اش «سکته» بود که پس از تولّد آن حضرت، از سوی همسر بزرگوارش «طاهره» لقب گرفت. محاسن بزرگ همانند: شیخ صدوق و علامه مجلسی برحسب اختلاف روایات نام‌های: نجمه، آروی، سمانه، نویسه ام‌البین ذکر کرده‌اند.^۱ که شاید هر کدام به مناسبت و واقعه‌ای نام‌گذاری شده است. چرا که تعداد اسامی، به مناسبت تعدد وقایع مختلف می‌باشد.

معروف است در آن زمان زنی داناتر و پرهیزگارتر از این بانو نبوده است. او اظهار

می‌دارد: از آن زمان که به فرزندم علی باردار شدم، احساس سنگینی نمی‌کردم، چون به خواب می‌رفتم، گویی صدای تسبیح، تهلیل و تمجید خدای متعال را از درون بطن خود می‌شنیدم»^۱

کنیه و القاب

کنیه معروف او «ابوالحسن» و القاب متبرک آن حضرت عبارتند است از: رضا، صابر، رضی و وفی، که مشهورترین آن‌ها همان لقب معروف «رضا» ست. در مناقب ابن شهر آشوب آمده است: «بدان جهت آن حضرت را «رضا» نامیده‌اند که او از خدا در آسمانش رضا بود و در زمین برای پیامبر و ائمه‌ی هدی رضا و خشنود بود. مورد خشنودی موافق و مخالف بود و او را قبول داشتند، از این رو وی را رضا نامیدند»^۲

علاقه امام به مردم

عبدالله بن صلت گوید: من در سفر امام رضا (ع) به خراسان، همراه او بودم، روزی دستور فرمودند، سفره‌ی غذا بیاندازند در کنار سفره، همگی غلامان و خدمتگزاران آن حضرت اعم از سیاه و سفید، گرد آمدند. من به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم، بهتر نبود برای اینان، سفره‌ای جداگانه پهن می‌شد؟ امام (ع) فرمود: «پروردگار ما یکی است، پدر و مادر ما (آدم و حوا) نیز یکی است و پاداش خدا هم یکسان است نه نسب و تبار»^۳

بنابراین امام (ع) هیچ تفاوتی میان خود و بردگان و غلامان، بجز به کردار و عمل نمی‌بیند، و همه امتیازات و نابرابری‌ها را که ناظر به حقوق اجتماع است، بگری می‌باشد، منتفی می‌شمرد و می‌فرمود: «همگان در این امور در پیشگاه خداوند برابر و یکنسند، چون همگی مخلوق خدایند، و پدر آنها آدم، و آدم نیز از خاک آفریده شده است».

همچنین از یاسر، خادم آن حضرت نقل شده است که گوید: امام رضا (ع) به ما فرموده بود: «اگر هنگامی که مشغول خوردن غذا هستید، مرا بالای سر خود ایستاده دیدید، هرگز از

۱- بحارالانوار، ج ۴۹.

۲- سیره‌ی معصومان، سید محسن امین، ترجمه‌ی شادروان علی حمیدی کرمانی، ج ۶، انتشارات سروش ۱۳۷۴، ص ۱۴۳.

۳- اصول کافی ج ۴، ص ۲۳.

جای خود برنخیزید، مگر این که از خوردن فارغ شده باشید.»^۱

علم و دانش امام رضا (ع)

امام علی بن موسی الرضا (ع) علم و دانش خود را از رسول خدا (ص) به ارث برده بود و سرچشمه‌ی جوشانی از علم و فضیلت بود که تشنگان دانش و معرفت از فیض وجودی او بهره می‌بردند و عطش خود را جهت فهم مشکلات و حلّ معضلات، به واسطه‌ی او فرو می‌نشانند.

از پدرش موسی بن جعفر (ع) روایت شده است که به فرزندان خود می‌فرمود: «علی بن موسی الرضا، عالم آل محمد (ص) است، مسائل دین خود را از او پرسید، و آنچه را به شما می‌گريد نگهدارید، زیرا من بارها از پدرم، جعفر بن محمد شنیدم که می‌فرمود: «عالم آل محمد در صواب تو است، و ای کاش من او را دیدار می‌کردم، و او با امیرالمؤمنین علی، همنام است.»^۲

از ابراهیم بن عباس صوفی نقل شده است که می‌گفت: «من ندیدم از امام رضا (ع) پرسشی شود، که آن را ندانند، و من کمتر از او ندیده‌ام. مأمون با پرسش از هر چیزی، آن حضرت را می‌آزمود، و امام (ع) او را پاس می‌فرمود، در حالی که تمامی پاسخ‌های آن حضرت مأخوذ از قرآن و مستند به آن کتاب الهی است.»^۳

حاکم در تاریخ نیشابور می‌نویسد: «امام رضا (ع) در مسجد پیامبر خدا (ص) در مدینه منوره می‌نشست و فتوا می‌داد، در حالی که بیست و چهار ساله بود.»

در «سنن ابن ماجه» و همچنین در «تهذیب الکمال» آمده است: «سرور بنی هاشم بود و مأمون او را بسیار بزرگ می‌داشت و احترام می‌نمود. جانشینی خود را به او سپرد، و پیمان ولایت عهدی با او بست.»

از ابوصلت هروی نقل شده است که گوید: «من از علی بن موسی الرضا (ع) دانشمندتر

۱- تحلیلی از زندگانی امام رضا (ع) نوشته محمدجواد فضل الله، ترجمه سید محمد صادق عارف، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۶۶، ص ۴۶.

۲- زندگانی امام هشتم، صفحات ۳۹ و ۴۰.

۳- همان مأخذ، ص ۴۰.

و عالم‌تر ندیده‌ام، و هیچ عالمی او را دیدار نکرد، مگر این‌که همانند من به همین موضوع شهادت داد. مأمون گروهی از دانشمندان ادیان مختلف، فقهاء و متکلمان دنیای اسلام را در جلسات متعدد گرد آورد، آنان همگی مغلوب علوم سرشار آن حضرت شدند، و به فضل و برتری آن بزرگوار اقرار و به ناتوانی خود اعتراف کردند.^۱

از مأمون که خود فردی فاضل و آگاه بود، در داستان ولایت عهدی امام علیه السلام نقل شده است که گوید: «من کسی را در روی زمین، دانشمندتر از این مرد ندیده‌ام.»^۲

امام رضا علیه السلام، ریشکاه قرآن

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به علت موقعیت خاص سیاسی و اجتماعی، بیشتر مورد سؤال و جواب قرآنی قرار گرفته است، چون گاهی به عنوان آزمایش، جلسات و مناظرات بحث و گفت‌وگو تشکیل می‌شد و امام علیه السلام پاسخ‌گوی شبهات قرآنی و معارف اسلامی می‌گردید. حدیثی را که رئیس "محدثین" شیخ صدوق در مورد توحید و یکتایی پروردگار از آن بزرگوار نقل کرده است، فشرده‌ای از آرزوهای قرآنی او را نشان می‌دهد، که خلاصه‌ای از ترجمه آن را در این مجال متذکر می‌شویم:

«سرآغاز عبادت خدا، شناخت او است و ریشه و سرچشمه یکتا دانستن پروردگار متعال می‌باشد، استمرار نظام توحیدی و اختلال پیدا نکردن در مقام توحید پروردگار متعال، با نفی صفات از او میسر می‌شود، زیرا عقول شهادت می‌دهند که هر صفت و موصوفی قهراً مخلوق و آفریده شده هستند و هر موصوفی به طبع خود گواهی می‌دهد که: برای او خالق می‌باشد و آن خالق هم نمی‌شود خود صفت یا موصوف باشد و برای شهادت دادن هر صفت و موصوفی به تحقیق قرین شدن یکی از آنها پهلوی دیگری و شهادت اقتران، بر حدوث آنها، لازم است حدوثی که در مقابل ازلیت بوده و با همدیگر در یکجا جمع نمی‌شوند.

پس نشناخته است خدا را کسی که به سبب تشبیه کردن او به چیز دیگر ذات او را

بشناسد. و به توحید او نرسیده است کسی که می‌خواهد حقیقت و جوهر وجود او را به دست آورد و حقیقت و واقعیت او را نیافته است کسی که بوسیله تمثیل و تشبیه به چیزهای مناسب، با او قدم بردارد. و او را تصدیق نکرده است کسی که او را پایان‌پذیر بداند و او را اراده نکرده است کسی او را در چارچوب وهم و خیال گنجانده باشد ...»^۱

روش تفسیری او

امام رضا علیه السلام از آباء و نیاکان خویش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که خداوند فرمود: به من ایمان نیاورده است آن کس که سخن مرا با رأی و نظر خویش، تفسیر نماید. و مرا نشناخته است کسی که مرا به آفریده‌ی خودم تشبیه نماید. و در دین و آیین من نیست کس که قیاس را در دین من، به کار ببرد ...»^۲

دریاری توحید و خداشناسی

محمد بن فضل بن محمد بن اسحاق، واعظ نیشابوری در شهر نیشابور روایت کرده است که ابوعلی حسن بن سنی - مرجع انصاری سعدی (سعیدی) گفت که عبدالسلام بن صالح اباصلت هروی روایت نموده هم‌اکنون بن موسی الرضا علیه السلام به هنگام ورود به شهر نیشابور بودم. او در حالی که بر اسب خاکستری رنگ، سوار شده بود، تعدادی از اهل علم نیشابور که در جمع آنان: احمد بن حرب، یحیی بن یحیی، اسحاق بن راهویه، و جمعی دیگر نیز بودند، در محل «مربعه» در حالی که لجام اسب او را گرفته بودند، پس به او عرض کردند: تو را به حق آباء و اجداد طاهرين خود، حاشا! به ما بازگو نما، امام رضا علیه السلام سر مبارک خود را از عماریه و هودج بیرون آوردند، در حالی که ردایی از خز بر تن داشتند، فرمودند: «پدرم عبد صالح، موسی بن جعفر روایت نمود که جلدّم جعفر بن محمد الصادق به او روایت کرد و او از پدرش محمد بن علی باقر علوم انبیاء (صلوات الله علیهم) روایت کرد و او از پدرش علی بن الحسین سیدالعبادین و او از پدرش سید جوانان بهشتی حسین بن علی و او از پدرش علی بن ابی طالب که فرمود از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم:

۱- التوحید، ص ۹۸، حدیث ۲۳.

۲- التوحید صدوق، ص ۲۵۴، حدیث ۲۴.

که خداوند متعال می‌فرماید: «من الله، آفریننده‌ی شما هستم، جز من معبود و آفریدگاری نیست، پس تنها آفریدگار خود را عبادت کنید.» در تفسیر آن فرمودند: کسی از شما که شهادت بر یکتایی او را با اخلاص انجام دهد، وارد دژ و قلعه‌ی من خواهد شد و کسی که وارد دژ و قلعه‌ی من شد، از عذاب من ایمن خواهد بود ...»

در پایان حدیث آمده است: هنگامی که کاروان عبور نمود، پس ندا در داد که «این شهادت، شرایط و حدودی دارد و من، یکی از شرایط آن هستم.»

مؤلف کتاب «توحید» می‌افزاید: از شرایط توحید آن است که اقرار به امامت امام رضا (ع) هم دسته باشد که او از سوی پروردگار، امام و پیشوای مفترض الطاعة بر بندگان می‌باشد.

شرک و کفر

محمد بن موسی بن متوکل روایت کرده است که علی بن حسین سعدآبادی روایت نمود که احمد بن ابی‌عبدالله برقی از داود بن سالم نقل کرد که از علی بن موسی الرضا (ع) شنیدم که می‌فرماید: «فردی که خدا را به مخلوق خویش تشبیه نماید، مشرک و دوگانه‌پرست است، و فردی که او را با مکان و جا توصیف نماید، کافر است و کسی که به او چیزی را نسبت دهد که خداوند از آن نهی کرده است، پس دروغگو است. سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «کسانی به خدا دروغ می‌بندند که به ایاات خدا ایمان و اعتقاد ندارند و آنان همان دروغگویان می‌باشند.»

صفات ثبوتی و سلبی خدا

راوی گوید: به محضر امام رضا (ع) وارد شدم، پس به من فرمود: به عباسی بگو، که از گفت‌وگو در مورد توحید و مطالب کلامی خودداری نماید و با مردم آن‌گونه سخن بگوید که شناخت قلبی دارند و از چیزهایی که پذیرا نیستند، خودداری ورزد.

هنگامی که از خداشناسی پرسیدند، پس بگو آن‌چنان که خدا فرموده است، بگو: «او

خدای یکتا، خدای صمد و بخشنده است که نه والد و نه مولود است و نه نظیر و کفوی دارد. «هنگامی که از کیفیت وجودی او سؤال نمودند، پس بگو آن‌چنان که خداوند فرموده است: «مانند او وجود ندارد». و هنگامی که از شنوایی او پرسیدند، پس بگو: «او شنوا و دانا است»، پس با مردم آن‌چنان سخن بگو که از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام شناخت و معرفت دارند، نه به سبک دیگر.

رؤیت خدا

راوی گوید: از ابوالحسن امام رضا علیه‌السلام پرسیدم: آیا پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آفریدگار خود را دیده است؟

امام در پاسخ فرمود: آری، ولی نه به چشم سر، بلکه با بصیرت دل خود دیده است. آیا قول پروردگار را شنیده‌ای که می‌فرماید: «دل آنچه را که دیده بود دروغ بازگو نکرده است، نه با چشم و بصر، ولی با دلی که بصیرت و قلب مشاهده کرده است».

سوالات مأمون

روزی مأمون برای آن‌که از حدود و انفسان خدادادی آن حضرت در تفسیر آیات آگاه شود، تفسیر برخی آیات را از امام علیه‌السلام پرسید که از آن جمله است آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ [نحل، آیه‌ی ۱۰۵].

امام علیه‌السلام در پاسخ فرمود: خداوند تبارک و تعالی عرش را بر آب و فرشتگان را پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین آفرید، و در این هنگام فرشتگان، بر وجود خود و عرش و آب بر هستی خداوند متعال استدلال می‌کردند، سپس عرش را روی آب قرار داد، تا قدرت خود را بر فرشتگان آشکار سازد و بدانند که او بر همه چیز توانا است، پس از آن با قدرت خویش عرش را از جای خود انتقال داد و آن را بالا برد و بر زیر آسمان‌های هفت‌گانه قرار داد، سپس آسمان‌ها و زمین را در شش روز بیافرید. و او در این هنگام بر عرش خود استیلا داشت و می‌توانست آنها را در یک چشم به هم زدن بیافریند، لیکن آنها را در شش روز آفرید که به فرشتگان آفرینش تدریجی برخی از آفریدگانش را بنمایاند، تا به حدوث آنچه یکی پس از دیگری حادث می‌شود بر خدا استدلال کنند، و نیز خداوند عرش را نه به

آن سبب، که بدان نیاز داشت نیافرید، زیرا او بی نیاز از عرش و از همه‌ی آن چیزهایی است که آفریده است، او به قرار داشتن و استواری بر چیزی، توصیف و تعریف نمی‌شود، زیرا او جسم نیست، و از اوصاف آفریدگان منزّه و مبرا است.

و اما معنای قول خداوند متعال در آیه‌ی شریفه‌ی ﴿لِيُنْزِلَ عَلَيْكُمْ آيَاتِهِمْ﴾ [غافر، آیه ۴۰] این است که آدمیان را بیافرید تا آن‌ها را به وسیله‌ی طاعت و عبادت خود بیازماید، و این آزمایش از باب امتحان و تجربه نیست، زیرا او همیشه به همه چیز دانا است (بلکه جهت کمال و استمکان خود بندگان است).

تأویلی که امام علی (ع) در آیه‌ی آفرینش آسمان‌ها و زمین در مدت شش روز بیان فرموده است، به اعتقاد ما بهر بن و وجهی است که از این مطلب شده است، زیرا آفرینش و ایجاد تدریجی بیش از خلق و ابداع دنی، شعور و احساس انسان را متوجه عظمت آفریننده‌ی جهان می‌سازد، و به آن کشش و وسوسه می‌دهد.

همچنین مأمون معنای سخن خداوند متعال را در این آیه شریفه از امام علی (ع) پرسید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ [یونس، آیات ۹۹ و ۱۰۰].

امام رضا (ع) از طریق پدران بزرگوارش نقل فرموده است که مسلمانان به پیامبر خدا (ص) عرض کردند: ای رسول خدا! اگر آنانی را که بر آن‌ها قدرت و تسلطی داری به پذیرش اسلام مجبور کنی، شمار ما افزون می‌گردد و بر دشمنان غلبه می‌یابیم، پیامبر خدا (ص) فرمود: من نمی‌خواهم خدا را دیدار کنم در حالی که چیزی از پیش خود پدید آورده باشم، که در آن به من دستوری نداده است، و من از متکلفان و بدعت‌گذاران هم نیستم، پس از آن خداوند متعال این آیه را نازل فرمود که ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ [یونس، آیه ۹۹] یعنی اگر پروردگار تو می‌خواست، همگی مردم روی زمین ایمان بیاورند، ایمان می‌آوردند، و این بدین طریق بود که آنان را در دنیا به قبول ایمان مجبور کند، چنان‌که در آخرت با مشاهده‌ی عذاب ایمان می‌آوردند، و اگر چنین کنم، بندگانم استحقاق ثواب و پاداش مرا نخواهد داشت، لیکن می‌خواهم آزاد و بی‌هیچ

نوع اجبار، ایمان بیاورند تا استحقاق قرب و کرامت مرا پیدا کنند، و شایستگی زندگی دائمی را در بهشت جاویدان، به دست آورند.

و قول خداوند متعال در آیهی شریفه‌ی ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا﴾ [آل عمران، آیه ۱۴۵] به این معنا نیست که خداوند متعال ایمان را بر نفس آدمی منع و حرام فرموده باشد، بلکه مقصود این است که نفس جز به اذن و اجازه خدا، ایمان نمی‌آورد و اذن خدا، امر اوست به ایمان مادامی که نفس مکلف و فرمانبردار است.

امام در تفسیر قول خداوند متعال در پاسخ سؤال مأمون در آیهی ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بَنَاءً﴾ [البقرة: ۲۲] فرموده است: یعنی زمین را با طبایع و ابعاد شما سازگار و موافق قرار داد، و آن را گرم و سوزان ساخت تا شما را بسوزاند. و بسیار سرد قرار نداد تا شما را منجمد گرداند، و برای آن را زیاد خوشبو نکرد تا سرهای شما به درد آید، و زیاد بدبو نساخت تا شما را اذیت کند، آن را مانند آب نرم و روان قرار نداد تا در آن غرق شوید، و خیلی سخت و سفت نساخت تا نتوانید خانه و بنا و قبر مردگان در آن سازید، بلکه خداوند متعال بخشی از آن را به اندازه‌ای که از آن سود برید، و آرامش یابید و بدن‌ها و خانه‌هایتان بر آن قرار گیرد، سفت و سخت آفرید، و در آن خانه‌ها و گورهایتان، فراهم و برای شما سود بسیار مقرر فرمود، از این رو در آیه شریفه فرموده است: زمین را بستر مناسب برای شما قرار داد. سپس امام علیه السلام فرمود: ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَاءً﴾ [البقرة، آیه ۲۲] یعنی بر بالای سر شما آسمان را سقفی محفوظ بنا کرد، و خورشید و ماه و ستارگان آسمان را برای مصلحت و منفعت شما، به چرخش و گردش درآورده، و ﴿وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ [رعد، آیه ۱۷] یعنی باران را از بالا نازل ساخت تا بر قلّه‌ی کوه‌ها و بلندی‌ها ریزد و درون گودال‌ها فرود آید، سپس آن را به صورت باران‌های درشت، قطره قطره و پیوسته، یا باران‌های ریز دانه و نم نم، در همه‌جا پخش و ریزان کرد، تا زمین‌هایتان و درختان و میوه‌جات و محصولات شما نابود نشود. پس از آن خداوند متعال فرموده است ﴿فَأَخْرَجَ مِنْ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ﴾ [انعام، آیه ۹۹] یعنی به سبب آنچه از زمین برای شما بیرون می‌آورد و روزی شما می‌گرداند برای خدا شریک قرار ندهید، و بت‌ها را که نمی‌فهمند و نمی‌شنوند و نمی‌بینند و

توانایی بر کاری ندارند شبیه و مانند بر او شناسید، و خود می دانید که در برابر نعمت های بزرگی که خداوند تبارک و تعالی روزی بندگان خویش فرموده است، این ها توان چیزی را ندارند.

بیان گسترده ی امام علیه السلام در تفسیر آیه، معنای آن را چنان ساده و روشن می کند که هر کسی هر چند بی استعداد باشد، زیبایی و ظرافت و ابداع آن را احساس می کند.

امام رضا علیه السلام دقایق مهمی را که در برخی از آیات وجود دارد و از لحاظ فهم نکات حکمت آمیز آنها سؤال برانگیز است، چنان که در همین آیه ی اخیر بود، به گونه ای توجیه و تعلیل می فرمود که در تمام آنها، عمق بی پایان اعجازی که قرآن مجید دارا است، آشکار می شد.

و یکی دیگر از پرسش های مأمون از امام علیه السلام این بود که پرسید: ای فرزند پیامبر خدا! آیا این سخن شما نیست که: «امیران معصومند؟» امام علیه السلام فرمود: آری.

مأمون عرض کرد: معنای قول خدای متعال در آیه «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» [طه: ۱۲۱] چیست؟

امام علیه السلام آیه را این گونه تفسیر و توجیه فرمودند: که خداوند آدم و حوا را تنها از نزدیک شدن به درخت مورد نظر نهی فرموده بود و از خوردن میوه ی آن درخت و آنچه از جنس آن باشد، منع نفرموده بود، و آدم و حوا در خودداری از نزدیک شدن به آن درخت، امر الاهی را امتثال کردند، ولیکن شیطان حقیقت را بر آنان، مشتبه ساخت و از آنان خواست که از میوه ی درخت دیگری که از جنس درخت مورد نهی بود، تناول کنند، و برای آنها سوگند خورد که خداوند آنان را از خوردن هر میوه ای که از ثمره ی آن درخت همجنس باشد، نهی نفرموده است و او خیرخواه آنهاست، آدم و حوا به سوگند او اطمینان پیدا کردند و از میوه ی درخت دیگری که با آن همجنس بود خوردند، و این عمل پیش از آن بود که آدم به پیامبری برگزیده شود و به دنیا هبوط کند، و آنچه را که مرتکب شده بود، گناه کبیره ای نبود که به سبب آن مستوجب آتش دوزخ شود، بلکه از صغایر بود، که برای پیامبران، پیش از بعثت آنان جایز و روا است، و هنگامی که آدم را خداوند به پیامبری برگزید معصوم بود و

روا نبود که هیچ‌گونه گناهی چه صغیره و چه کبیره از او سر زند، چنان‌که خداوند عزوجل در این باره فرموده است: ﴿فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهَا سَوءُ أَلْفِئَتِهَا وَطَفِيفًا يُخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى﴾ [طه: ۱۲۱]

شک و تردید ابراهیم خلیل

مأمون از آن حضرت درباره‌ی ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام و عبور او از مرحله شک پرسید، چنان‌که ظاهر قرآن است در جایی که از ابراهیم علیه السلام سخن می‌گوید اشاره می‌کند که پس از آن حق بر او آشکار شد و بدان ایمان آورد، می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ * فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الضَّالِّينَ * فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ * إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلدِّينِ الْقَيُّمِ فَاصْبِرْ إِنَّ الشَّكَّ مِنَ الْإِيمَانِ﴾ [انعام، آیه ۷۶]

امام علیه السلام پاسخ می‌دهد: ابراهیم علیه السلام در وادی شک به خدا گام نهاده است، و خلاصه‌ی داستان این است که او در زمان می‌زیست که سه‌گونه پرستش زهره، ماه، و خورشید، وجود داشت، گرایش مرحله به مرحله ابراهیم علیه السلام به این مذاهب، پیش از آن‌که ایمان خود را به خداوند آشکار کند، به صورت مابین برای کسب آگاهی و رد و انکار ستاره‌پرستان بوده تا از این طریق فساد عقیده‌ی هر کدام را برای دیگری آشکار سازد، نه این‌که در هر مرحله اعتقاد آنها را پذیرفته، و به آن مذهب ایمان واقعی پیدا کرده باشد، بلکه او می‌خواسته است از طریق استدلال عینی، با روحی که شرار از ایمان به خدا بوده، فساد آنچه را که مردم زمانش، به صورت دین و عقیده بدان پای‌بند بودند، آنان ثابت و مدلل سازد که زهره و ماه و خورشید و امثال این‌ها، در معرض دگرگونی و تغییر، و دست‌خوش زوال و افول‌اند و شایستگی پرستش را ندارند، زیرا این‌ها صفات مخلوقات می‌باشند.

امام علیه السلام سخن خود را این‌گونه ادامه می‌دهد که: این رفتار و گفتار ابراهیم خلیل، به دلیل قول خداوند متعال در قرآن مجید است که ﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ﴾ [الأنعام: ۸۳] این‌ها حجّت‌های ما بود که ابراهیم برای قوم خود آورد و به الهام پروردگار متعال بوده است، بنابر این آنچه وقوع یافته است، صرف استدلال بر گفتار خویش درباره‌ی

بطلان عبادات آنها، و پرستش خدایان جز خداوند یگانه می باشد، و این روش استدلال، از شیوه های جالب قرآن در زمینه دعوت به ایمان است.

نسبت نومیدی به پیامبران (ع)

همچنین مأمون از امام (ع) درباره قول خداوند متعال که ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا﴾ [یوسف، ۱۱۰] می پرسد: نکته ای که درباره ای این آیه وجود دارد، نسبت دادن یأس و نومیدی به پیامبران است، پس از آن که خداوند به آنان وعده یاری و پیروزی داد است، آن گاه که از نرسیدن آن دچار نومیدی شده اند، در حالی که مأیوس شدن از خدا، کفر است چنان که فرموده است ﴿وَلَا تَيْسُّوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَنْشُئُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ﴾ [یوسف، ۸۷] به راستی چگونه ممکن است بر قلب رسول یا نبی یأس و نومیدی از خدا دست دهد، در حالی که به انتضای آیه ی شریفه ای که ذکر شد، این گناه جز از دل کافر بر نمی خیزد، و چه گناهی بزرگ تر از کفر به خداست؟ و ظاهراً زمان یأس طبق صریح آیه، پس از بعثت آنان به پیامبری و بروز وحی آنان بوده است.

امام (ع) پاسخ می دهد که: یأس در آیه ی شریفه، نصر پروردگار که به پیامبران وعده داده شده، متعلق نیست بلکه مربوط به نومید از ایمان آوردن مردم است، و آنها فرستادگان خدا به سوی مردمند، تا این که آنان را دعوت کند که به خدا ایمان آورند، و از پرستش خدایانی، جز خدای یکتا و کفر و نافرمانی او بازگردند. بنابراین تفسیر آیه چنین است: «پس از آن که پیامبران از ایمان آوردن قوم خود نومید شدند، و قریب داشتند که به پیامبران دروغ گفته شده است، یاری ما به آنان فرا رسید. و با این بیان امام (ع) شبهه ای که از ظاهر آیه به نظر می رسید برطرف شد.»

مراد از دست خدا، قدرت اوست

در قرآن آیاتی است که ظاهر آنها گویای این پندار است که خداوند مانند انسان، دارای اعضا و جوارح می باشد که به وسیله آنها نیاز خود را برطرف می سازد، چنان که در آنجا که خداوند شیطان را پس از امر به سجده بر آدم و خودداری او، مورد خطاب قرار می دهد، می فرماید: ﴿مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإَدْيٍ﴾ [ص، ۷۵] و همچنین در آنجا که فرموده است:

﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ [القلم، ۴۲] اما امام علیه السلام «ید» را به معنای قدرت تفسیر می‌کند و می‌فرماید: آیهی شریفه به این معنا است که: چه چیز تو را بازداشت از این که سجده نکنی بر چیزی که من آن را به قوت و قدرت خود آفریدم، بنابراین چنان که از ظاهر آیه تصور می‌شود، خدا دارای دست و پا یا چشم یا اعضای از این گونه که او را مانند انسان محدود نماید، نیست، و آنچه از این قبیل در نصوص آمده باشد، باید به معنایی که متناسب با تنزیه حق تعالی است و ذات مقدس او منزّه از آن است، تأویل گردد. امام علیه السلام «ساق» را در آیهی شریفه به حجابی از نور تعبیر و آیه را چنین تفسیر می‌کند که هنگامی که حجاب بر بسته می‌شود، مؤمنان به سجده می‌افتند، و پشت منافقان سخت می‌شود و قادر به سجود نمی‌گردند.

علتها و معلولها

امام علیه السلام برای دریافت م‌صور کتاب خدا، این گونه طریق امن و روش سالم و بی خطری را برای ما که می‌خواهیم آیات قرآنی را به امانت و تدبّر تفسیر کنیم، ترسیم می‌کند. و ما را با حقایق عالیهی قرآنی آشنا می‌سازد. امام علیه السلام در تفسیر برخی از آیات فرمودند: پیروی از عوامل خاصّی، موجب آثار و تدبیر ویژه‌ای است:

۱. پیروی از نفس، موجب ندامت و پشیمانی است آن چنان که در داستان فرزند آدم است که فرمود ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ﴾ [المائدة، ۳۰] پس از نفس خود پیروی و اطاعت نمود و آن ندامت و پشیمانی را بار آورد.

۲. در متابعت هوای نفس، ذلّت و زبونی است آن چنان که در مورد «لعم یاعورا» آمده است: ﴿وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ﴾ [اعراف: ۱۷۶] او از هوای نفس خود پیروی نمود، پس سرگذشت او همانند سرگذشت سگی می‌باشد که در پی مطامع خویش است.

۳. در پیروی شهوات، کفر و الحاد وجود دارد، آن چنان که در قصّهی کفّار آمده است: ﴿وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ﴾ [مریم: ۵۹] آنان از شهوات خود پیروی نمودند.

۴. پیروی شیطان، آتش و عذاب در پی دارد: ﴿إِنَّ عِبَادِي لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ﴾ [الحجر: ۴۲] به بندگان خاص من تسلط نخواهی داشت، ولی افرادی که به آنان تسلط پیدا

کرده‌ای داخل در آتش اند.

۵. در پیروی فرعون‌ها و ستمگران، همراهی و با هم بودن با آنان نهفته است ﴿يَوْمَ نَذْعُو كُلَّ إِنْسَانٍ بِإِيمَانِهِمْ﴾ [الإسراء: ۷۱] در روز قیامت مردم را با پیشوایان خود فرا می‌خوانیم.
۶. در پیروی رسول خدا ﷺ محبت خدا و دوستی او نهفته است: ﴿فَأَتَّبِعُوا مَوْجِبَ كُفْرِكُمْ﴾ [آل عمران: ۳۱] از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست داشتنی نماید.
۷. در متابعت اهل بیت هبطه محشور شدن با آنان نهفته است ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ﴾ [الطُّور: ۲۱] آنان که ایمان آوردند و نسل آنان نیز از آنان پیروی نمودند، یعنی عامل محشور بودن ذریه، پیروی از عقائد و نظریات آنان می‌باشد.

آیا روز جلوتر است یا شب؟

اشعث بن حاتم در زمانه امام ن از امام رضا (ع) پرسیدند: آیا روز جلوتر خلق شده است یا شب؟ امام (ع) فرمود: «یا از قرآن پاسخ بگویم یا از حساب و هیئت؟»
 فضل گفت: چه بهتر از هر دو. امام (ع) فرمودند: می‌دانید طالع دنیا، برج سرطان است و کواکب در موضع شرف آنها قرار دارد، پس «رجل» در «برج المیزان» و مشتری در برج «سرطان» و آفتاب در برج «حمل» و ماه در برج «ثور» قرار دارد، پس این موضع‌گیری دلالت می‌کند که خورشید در حمل در درجه دهم در وسط آسمان قرار دارد و این امر موجب آن است که روز جلوتر از شب خلق شده است.^۱

و اما دلیل قرآنی آن است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا الضَّمَنُ بَعْجٌ لِّمَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرُ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ [یس: ۴۰] نه خورشید می‌تواند به ماه رسد و نه شب می‌تواند جلوتر از روز باشد، هر کدام از آنها در مدار خود گردش دارند.

البته تفاسیر و نمونه‌های تفسیری از آن بزرگوار فراوان نقل است، بویژه در مطالب کلامی و عقیدتی که آن روز مورد نیاز مسلمانان نو عقیده و تازه مسلمان بود. طالبان تفصیل می‌توانند به تفاسیر «المیزان» علامه طباطبایی و «منشور جاوید» استاد سبحانی و ترجمه‌ی «تفسیر صافی» از انتشارات ما مراجعه فرمایند.

۱- البته این پاسخ امام بر حسب هیئت قدیم و مصطلح آن روز، نوعی پاسخ اِقتاعی می‌باشد.

تقدیر و تشکر

در پایان از زحمات و تلاش‌های کلیه سروران عزیز و گرامیان که در امر ترجمه، مقابله، تایپ، ویرایش و امور فنی چاپ و نشر، و به ثمر نشستن این اثر نقش داشته و دارند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌گردد و به ویژه از فاضل ارجمند و گرامی، حجة الاسلام و المسلمین جناب حاج آقای «محمد مهدی سازندگی» تقدیر و تشکر می‌شود، که اگر تلاش‌های آن عزیز نبود، این تفسیر به سامان نمی‌رسید.

عبدالرحیم عقیقی بخشایشی

۱۳۹۰/۸/۱

www.ketab.ir